

فرہنگ بلوچی _ فارسی

شامل بیش از شصت ہزار واژہ و اصطلاح بلوچی و
معنی آنها بہ فارسی

دکتر عبدالغفور جہانیدہ

فرهنگ بلوچی فارسی

شامل بیش از شصت هزار واژه و اصطلاح بلوچی و معنی آن‌ها به فارسی

جلد اول

دکتر عبدالغفور جهاندیده

عضو هیئت علمی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار

با مقدمه دکتر علی اشرف صادقی



دانشگاه دریانوردی و
علوم دریایی چابهار



انتشارات معین



وزارت آموزش عالی و
تحصیلات عالی



انتشارات موعین

روبه روی درب اصلی دانشگاه تهران، فخر رازی، فاتحی داریان، پلاک ۳ - تلفن: ۶۶۴۰۵۹۹۲

WWW.moin-publisher.com

info@moin-publisher.com

برای دریافت تازه‌های کتاب انتشارات، به کانال تلگرام ما بپیوندید.

<http://telegram.me/moin-publisher>

جهان‌دیده، عبدالغفور

فرهنگ بلوچی - فارسی (جلد اول)

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

طرح جلد: عبدالله بهار

صفحه‌آرایی: ابراهیم توکلی

لیتوگرافی: طیف‌نگار

تمام حقوق این اثر برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

تلفن مرکز فروش: ۶۶۴۱۴۲۳۰ - ۶۶۹۶۱۴۹۵

فهرست

۷.....	پیشگفتار (مقدمه دکتر علی‌اشرف صادقی).....
۹.....	مقدمه.....
۱۰.....	پیشینه تحقیق.....
۱۱.....	روش تحقیق.....
۱۵.....	نشانه‌های آوانویسی.....
۱۶.....	نشانه‌های اختصاری.....
۱۷.....	پیشگال (پیشگفتار بلوچی).....
۲۱.....	دیباچه.....
۲۰.....	جغرافیا.....
۲۲.....	بلوچستان ایران.....
۲۲.....	بلوچستان پاکستان.....
۲۳.....	بلوچستان افغانستان.....
۲۳.....	مکران.....
۲۴.....	کوچ و بلوچ.....
۲۵.....	بلوچ، نژاد و خاستگاه آن.....
۲۵.....	پراکندگی قومی بلوچ‌ها.....
۲۵.....	زبان بلوچی.....
۲۷.....	برخی از ویژگی‌های زبان بلوچی.....
۲۸.....	گویش‌های مهم بلوچی.....
۲۸.....	گویش شرقی و گویش غربی.....
۲۹.....	جدول تطبیقی نمونه‌هایی از واژه‌های دو گویش شرقی و غربی بلوچی.....
۳۰.....	رابطه زبان بلوچی با زبان‌های باستانی ایران.....
۳۱.....	بلوچی با پارسی باستان.....
۳۲.....	بلوچی با پارسی میانه.....
۳۳.....	رسم‌الخط زبان بلوچی.....
۳۵.....	واژه‌سازی در بلوچی.....
۳۶.....	برخی از نکات دستوری زبان بلوچی.....

۳۶.....	مصدر
۳۶.....	فعل و انواع آن
۳۸.....	ضمیر و انواع آن
۳۸.....	مضاف و مضاف‌الیه
۳۸.....	صفت و انواع آن.....
۴۱.....	متن فرهنگ.....
۲۶۹۰	اعلام
۲۷۲۶	منابع

پیشگفتار

زبان بلوچی از گویش‌های شمال غربی ایران است که در حال حاضر در جنوب شرقی ایران در بخش بلوچستان استان سیستان و بلوچستان و در شرق پاکستان و نیز در شرق افغانستان به آن تکلم می‌شود. گروه‌هایی از بلوچ‌ها در قرن نوزدهم به حوالی مرو در ترکمنستان و گروه‌های دیگری در داخل ایران به گرگان و مازندران کوچ کرده‌اند. در گذشته بلوچی را به دو گروه شرقی و غربی تقسیم می‌کردند، اما امروز تقسیم‌بندی پیچیده‌تری را پیشنهاد کرده‌اند.

محققان محل اصلی بلوچ‌ها را در سواحل جنوب غربی دریای خزر دانسته‌اند که در حدود قرن ششم میلادی به جنوب شرقی ایران بزرگ کوچ کرده‌اند. بلوچی در میان گویش‌های ایرانی از نظر نگه داشتن بعضی تلفظ‌های باستانی و میانه زبان‌های ایرانی محافظه‌کار شمرده می‌شود. مثلاً \check{C} و p باستانی بعد از مصوت را در کلمات āp «آب» و rōc «روز» و نظایر آن‌ها حفظ کرده است. g در پایان، -ag- ایرانی میانه، به‌ویژه فارسی میانه را در کلماتی مانند jāmag «جامه» و dānag «دانه» را نگه داشته است. بعضی تحولات ویژه، مانند تبدیل w آغازی به gw نیز دارد که با بعضی گویش‌های جنوب شرقی و مرکز ایران - به‌ویژه گویش روستای فرّخی^۱ که فرویگی نامیده می‌شود- و احتمالاً با گویش قدیم کرمان مشترک است. این تحول مسلماً مربوط به بعد از کوچ بلوچ‌ها به محل سکنا کنونی آنان است. نخستین بررسی‌های بلوچی را ایران‌شناسان غربی انجام داده‌اند. سرگرد جیلبرتسون (Gilbertson) انگلیسی، دستور زبان بلوچی را در ۱۹۲۳ و فرهنگ بلوچی را در دو جلد در ۱۹۲۵ منتشر کرد. به تحقیقات ویلهلم گایگر (Geiger)، ژرژ مُرگنستیرنه (Morgenstierne) در دهه‌های بعد به آثار الفنباین (Elfenbein)، دیمز (Dames) و دیگران نیز باید اشاره کرد. الفنباین واژه‌نامه بلوچی مرو را در ۱۹۶۳ در ایتالیا به چاپ رساند. خود بلوچ‌ها نیز آثار

۱- برای فرخی از روستاهای غربی و جنوبی شهر خور، مرکز بیابانک از بخش‌های شهرستان نائین در استان اصفهان است؛ زبان خوری، فرویگی farvigi از گویش‌های زبان پارسیک یا پهلوی ساسانی است که به سبب دوری و جابجانشدن زبانوران، کمتر از گویش‌های دیگر دستخوش دگرگونی شده‌اند. (یادداشت مولف به نقل از آقای مهدی عباسی پژوهشگر زبانها و گویشهای منطقه خور و بیابانک)

متعددی به بلوچی و فارسی و اردو منتشر کرده‌اند. از آن میان باید به فرهنگ مفصل بلوچی به بلوچی سیدظهورشاه هاشمی که در سال ۲۰۰۰ در کراچی چاپ شده است، اشاره کرد که خاص گویش مکرانی است. اکنون آقای دکتر عبدالغفور جهاننیده، عضو هیئت علمی دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار دامن همت به کمر زده و مفصل‌ترین فرهنگ بلوچی به فارسی را در ۲ جلد تهیه کرده است. دکتر جهاننیده واژه‌های بلوچی را با آوانگاری همراه کرده که خواندن آن‌ها، برای غیر بلوچ‌ها آسان شده است. مقدمه‌ای نیز دربارهٔ بلوچ‌ها- شامل بلوچ‌های ایران، پاکستان و افغانستان و قلمرو آن‌ها و شهرهای بلوچستان و ویژگی‌های کلی زبان بلوچی (دو گویش شرقی و غربی) به کتاب افزوده است. بی‌شک این فرهنگ در تحقیقات مربوط به زبان بلوچی گام مهمی به پیش است و از این به بعد محققان از مراجعه به آن بی‌نیاز نخواهند بود. مولف آثار مفید دیگری نیز راجع به بلوچستان دارد. توفیق ایشان را آرزومندم.

دکتر علی شرف صادقی^۱

۱- برای دکتر علی اشرف صادقی، زبان‌شناس برجسته، استاد دانشگاه تهران، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مولف و مصحح چندین فرهنگ و دهها مقاله در زمینه زبانها و گویش‌های ایرانی است. فرهنگ جامع زبان فارسی در زیر نظر ایشان تالیف می‌شود که جلد نخست آن منتشر شده است. [۱۷/۶، ۴۳:۱۰] :: هردو زیرنویس در یک صفحه هستند.

مقدمه

زبان بلوچی یکی از از زبان‌های گروه ایرانی کنونی است و به همراه زبان فارسی، گُردی، پشتو و آسی، مهم‌ترین زبان‌های ایرانی نوین را تشکیل می‌دهند. این زبان در شرق ایران و در سرزمینی که سه کشور همسایه، ایران و پاکستان و افغانستان را از نظر جغرافیایی به هم پیوند می‌دهد، تکلم می‌شود. زبان بلوچی خود دارای چندین گویش است، و برخی از گویش‌ها نیز دارای چند لهجه هستند، گویش‌های مهم در بلوچستان ایران عبارتند از: مگرانی، سرحدی، سراوانی، کاروانی، که گویشوران آن‌ها نسبت به گویش‌های دیگر مانند فَنوجی، لاشاری، کتیچی و... بیشتر هستند.

در بلوچستان پاکستان نیز چندین گویش وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از مگرانی، رخشانی و گویش شمالی یا شرقی و چند گویش دیگر. گویش شرقی در شمال یا شرق بلوچستان پاکستان رواج دارد. اختلاف بین برخی از گویش‌های بلوچی گاهی به جایی می‌رسد که فهمیدن سخنان یک گویش برای گویشوران گویش دیگر که با آن آشنایی نداشته باشند، دشوار می‌گردد، به‌عنوان مثال، برخی از واج‌هایی که در گویش شرقی تلفظ می‌شوند، در گویش جنوبی یا مکرانی وجود ندارند، مثلاً در گویش شرقی حتی واج‌هایی مانند «ث th» هنوز کاربرد دارد.

از نظر ساخت واژگان، زبان بلوچی زبانی ترکیبی است و در زمینه اشتقاق واژگان جدید می‌تواند یک زبان زایا و فعال باشد، همچنین این زبان در بعضی موارد، مقدار بیشتری از خصوصیات آوایی، واژگانی و دستوری زبان‌های ایرانی قدیم را نسبت به دیگر زبان‌های ایرانی نو، مانند فارسی نو، حفظ کرده است. (محمودزهی، ۱۳۷۹: ۲۴)

زبان بلوچی، از گذشته‌های دور، تحت تأثیر زبان فارسی بوده است. میزان واژه‌های فارسی در بلوچی گذشته و معاصر، ژرفای این تأثیرپذیری را نشان می‌دهد. این ارتباط واژگانی فقط به فارسی معاصر محدود نیست؛ بلکه صدها واژه مشترک میان بلوچی و فارسی دری وجود دارد، که بسیاری از آن‌ها، در فارسی کنونی فراموش گشته‌اند، و جای آن‌ها را واژه‌های بیگانه گرفته است، ولی در زبان و ادب بلوچی، همچنان کاربرد دارند. بنابراین زبان و ادب بلوچی، گنجینه‌ای بزرگ از واژه‌های فراموش‌گشته فارسی نیز هست. از آنجا که بسیاری از این واژه‌ها نمونه‌های اندکی در فارسی دارند شاید از نظر معنی و مفهوم به گونه‌ای که باید، روشن نباشند. در این مورد واژه‌های بلوچی می‌توانند راهنمای بجا و شایسته‌ای باشند.

بلوچ‌ها ادبیات پرباری دارند، قدمت متون نظم آن‌ها به چند سده پیش برمی‌گردد، اگرچه عمده این متون شفاهی بوده‌اند، اما بخش قابل توجهی از آن‌ها را پژوهشگران معاصر گردآوری و به چاپ

رسانده‌اند، با بررسی‌های دقیق این متون می‌توان به نتایجی در باره ساختار این زبان و تحول زمانی آن پی برد.^۱

پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهش‌های زبانی و ادبی بلوچی در گذشته، مربوط به گویش شمالی یا شرقی است. فرنگیان نخستین کسانی بودند که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی، در زمان استعمار انگلیس بر بلوچستان شرقی در این زمینه‌ها به پژوهش دست زدند.

پژوهش علمی در زبان بلوچی هنوز در مراحل نخستین است، تا این زمان اثری مهم و قابل توجه که بتواند این زبان را از نظر ساختار و ریشه بررسی کند منتشر نشده است، در زمینه فرهنگ یا واژه‌نامه بلوچی یک‌زبانه یا دوزبانه، در ایران تاکنون اثری به چاپ نرسیده است و فرهنگ حاضر نخستین کتابی است که به چاپ می‌رسد. اما در کشورهای دیگر، همچنان که گفتیم نخستین پژوهشگرانی که به گردآوری واژه پرداختند فرنگیان بودند و کار آن‌ها در بلوچستان پاکستان که در دوره استعمار به آن، بلوچستان انگلیس می‌گفتند به انجام رسیده است. در زمان معاصر نیز در کشور پاکستان که بخشی بزرگ از بلوچستان در آن قرار دارد، چند فرهنگ یک‌زبانه و دو یا چندزبانه به وسیله پژوهشگران بلوچ تألیف و منتشر شده است که عبارتند از:

۱- بلوچی اردو لغات، تألیف دو تن از پژوهندگان به نام‌های متهاخان، صورتخان. این فرهنگ دوزبانه (بلوچی بلوچی اردو) در ۳۲۲ صفحه به قطع وزیری، در سال ۱۹۷۰م. در شهر کوئته پاکستان، به چاپ رسیده است. این فرهنگ بر اساس گویش شرقی بلوچی است و شیوه نگارش آن، واژه در مقابل واژه، بدون توضیح و مثال است.

۲- میرگنج، تألیف شادروان میراحمد دهانی و به گویش مکرانی و دوزبانه (بلوچی-بلوچی-اردو) که دو بار و بار دوم در سال ۲۰۰۰م. در شهر کراچی پاکستان با قطع جیبی و ۴۲۶ صفحه، به چاپ رسیده است. مؤلف این فرهنگ در تألیف آن اصول علمی فرهنگ‌نویسی را رعایت نکرده است. ولی؛ از این جهت که جزو نخستین فرهنگ‌ها به گویش مکرانی است، ارزش خود را دارد. شیوه نگارش آن، واژه در مقابل واژه، بدون توضیح و مثال است.

۳- سیدگنج، تألیف سیدظهورشاه هاشمی. در سال ۲۰۰۰م. و در ۹۲۸ صفحه و قطع رحلی به چاپ رسیده است. این فرهنگ، یک‌زبانه (بلوچی به بلوچی) و به گویش مکرانی است، مؤلف دانشمند این فرهنگ برای گردآوری واژه‌ها زحمات فراوانی کشیده است، ولی متأسفانه هنگام چاپ آن در قید حیات نبوده است و دیگران آن را به وجه شایسته‌ای به چاپ نرسانده‌اند. این فرهنگ مهم‌ترین فرهنگ بلوچی-بلوچی است که تاکنون منتشر شده است، شیوه نگارش آن، واژه در برابر واژه است که بسیاری از آن‌ها دارای توضیحات هستند.

۴- بلوچی گنج، تألیف دو تن به نام‌های عبدالرزاق و مولابخش، که در سال ۱۹۹۹م. در کراچی به چاپ رسیده است. این فرهنگ دوزبانه (بلوچی، انگلیسی)، در ۱۸۱ صفحه و به گویش مکرانی است. شیوه نگارش آن به گونه‌ای است که واژه‌های بلوچی را به خط بلوچی و معانی و توضیحات را به انگلیسی نوشته است. واژه‌ها همراه با تلفظ لاتین و برخی از آن‌ها مثال هم دارند.

۱- برای آشنایی بیشتر از متون منظوم بلوچی و ادبیات آن نگاه کنید به کتابهای «حماسه‌سرایی در بلوچستان»، «منظومه‌های عاشقانه بلوچی» تألیف نگارنده، انتشارات معین، ۱۳۹۰

۵- لَبْرَبَلْد تألیف اسحاق خاموش، در سال ۲۰۱۴م. در شهر کراچی به چاپ رسیده است. این فرهنگ سه‌زبانه (بلوچی-اردو-انگلیسی) و در قطع وزیری است و ۴۴۳ صفحه دارد. شیوه نگارش آن واژه در برابر واژه و بدون توضیحات و مثال است.

۶- بلوچی لَبْرَبَلْد، تألیف جان محمد دشتی، در سال ۲۰۱۵، توسط انتشارات اکادمی بلوچی کوئته در پاکستان به چاپ رسیده است. این فرهنگ یک‌زبانه، بلوچی- بلوچی در ۱۲۵۵ صفحه در قطع وزیری و شیوه نگارش آن واژه در برابر واژه و گاهی با توضیحات مختصر است. این فرهنگ مجموعه‌ای از سیدگنج، بلوچی-اردو لغات و واژه‌های چند لهجه و گویش شرقی است. از ویژگی‌های این اثر این است که همبازی بین واژه‌های بلوچی شرقی و بلوچی مکرانی قائل نشده و هرچه از این دو گویش یافته، در این کتاب ثبت کرده است.

۷- واژه‌نامه موضوعی و سه‌زبانه (بلوچی-اردو-انگلیسی) «نوکاز» تألیف نویسنده و محقق به نام «ناگمان»، چاپ سوم این فرهنگ در ۲۴۰ صفحه، به قطع رقعی، در سال ۲۰۱۱ در کوئته پاکستان انجام گرفته است. بیشتر واژه‌های این فرهنگ، نو و بر ساخته نویسندگان، شاعران و ادیبان خوش ذوق بلوچ است که بسیاری از آن‌ها رواج یافته و کاربرد دارند. چند فرهنگ موضوعی کوچک و یک‌زبانه یا دوزبانه نیز در پاکستان به چاپ رسیده است، از جمله آن‌ها «بلوچی‌نامه تألیف عطاشاد» که بلوچی به اردوست.

روش تحقیق

نوشتن فرهنگ لغت برخلاف آنچه پیش از آغاز کار می‌نماید، کاری بسیار دشوار و محتاج تأمل و دقت است، به‌خصوص اگر نویسنده اهل مسامحه نباشد و دغدغه صحت و وجدان علمی صبر و حوصله او را به سر نیاورد. فرهنگ‌نویس در خلال تحقیق و تألیف با دشواری‌های گوناگونی روبروست، دشواری‌هایی که پیش از شروع کار، پیش‌بینی آن‌ها ممکن نیست. مسائلی مثل جلوگیری از تکرار و رعایت روشی واحد برای نوشتن هزارها مدخل و زیرمدخل‌های گوناگون و استخراج درست و سنجیده این زیرمدخل‌ها از متن و تنظیم آن‌ها در بافتی یکسان و تعیین جای دقیق هر یک در فرهنگ و ده‌ها ملاحظات دیگر از این دست، همه این موارد، کار فرهنگ‌نویسی را به کاری دقیق و ظریف بدل می‌کند که گمان نمی‌کنم هیچ تحقیق و تألیفی این‌قدر مشکل‌ساز و مشکل‌آفرین باشد. در کنار این همه مشکل، تازه باقی می‌ماند کار اصلی فرهنگ که به‌دست‌دادن معنی درست واژه‌هاست به شرط آن‌که این واژه‌ها، درست استخراج شده و بافت عبارت آن‌ها بر طبق شیوه خاص، یکسان نوشته شده باشد^۱.

بلوچی زبانی است با گویش‌های مختلف که هر کدام از آن‌ها چند یا چندین لهجه دارند. گویشوران این زبان از نظر مکانی بسیار پراکنده‌اند و پژوهش برای گردآوری واژه‌های چنین زبانی، زمان‌بر و بسیار طاقت‌فرساست. تألیف این فرهنگ حدود بیست سال زمان برده است؛ بویژه در هفت سال اخیر که زمان تدوین و تنظیم فیش‌ها و و مرتب‌کردن واژه‌ها بوده است، بیشتر از همه ایام، وقت نگارنده را مصروف خود کرده است. شیوه پژوهش بیشتر میدانی و بخشی از آن کتابخانه‌ای بوده است، به دلیل این‌که زبان مادری نگارنده بلوچی است و با دلبستگی فراوانی که

۱- این پاراگراف، برگرفته از مقاله تقی پورنامداریان، با عنوان «مشکلات فرهنگ‌نویسی با نگاهی به فرهنگ جامع و فرهنگ شاهنامه» با تلخیص و تصرف است.

به این زبان دارد، کار تدوین واژه و اصطلاح را با تحمل همه مشکلاتی که بیشتر پژوهشگران میدانی با آنها مواجه هستند، با علاقه ادامه داده است. شیوه گردآوری واژه، نخست بر مبنای فیش‌نگاری بوده و در طول این بیست سال حدود ۵۰/۰۰۰ فیش فراهم شده است؛ اما در سال‌های اخیر با رشد روش‌های پژوهشی و عام شدن ابزارهای نوین ثبت و نگارش، فیش، تا حدودی جایگاه خود را به ابزارهای رایانه‌ای داده است.

کار چاپ و انتشار کتاب و نشریات به زبان بلوچی، ده‌ها سال است که در کشور پاکستان انجام می‌گیرد، تاکنون صدها عنوان کتاب و ده‌ها عنوان نشریه به چاپ رسیده است و نگارنده تا حد امکان از همان آغاز تألیف این فرهنگ، کتاب‌های مهم و شاهکارهای نثر و نظم بلوچی را پیوسته مطالعه کرده و بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات به‌کاررفته در این آثار، همراه با مثال‌هایی از متن آنها را به این فرهنگ افزوده است.

نگارنده کار گردآوری لغت را از سال ۱۳۶۸ هم‌زمان با معلمی در روستا آغاز کرده است و با ادامه این روند، در سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ هم‌زمان با تحصیل در دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، با یاری گرفتن از استادان گرانمایه‌ای مانند شادروان دکتر یحیی ماهیار نوابی، فن پژوهش در گردآوری گویش‌ها و شیوه فرهنگ‌نویسی را آموخته است.

این فرهنگ، نخستین فرهنگ بلوچی-فارسی است که چاپ و منتشر می‌گردد و اساس آن بر مبنای گویش غربی و مکرانی است، این گویش در میان گویش‌های بلوچی به نوعی معیار به شمار می‌آید، بیشترین کتاب‌ها و نشریات با این گویش چاپ و منتشر می‌گردد. البته با این‌که گویش غربی یا مکرانی، اساس این اثر را تشکیل می‌دهد، نگارنده از گویش‌های دیگر هم غافل نمانده است و تا حد امکان، به بسیاری از واژه‌های گویش‌های سرحدی، کاروانی، فنوچی، گُتیچی، سراوانی، لاشاری توجه کرده و در جلو واژه‌های مربوط، با علامتی مشخص، وابستگی واژه را به هر کدام از این گویش‌ها مشخص کرده است. گویش شرقی بلوچی، نیز یکی از دو گویش مهم بلوچی است که از نظر آوایی با گویش بلوچی غربی اختلافات فراوان دارد، این گویش در مناطق شمالی بلوچستان پاکستان گویشور زیاد دارد و در کتابت نیز به کار می‌رود و کتاب‌های زیادی به این گویش به چاپ رسیده است. نگارنده در این فرهنگ تا حد امکان بسیاری از واژه‌های این گویش که با معادل غربی خود اختلافات آوایی دارند، را با ذکر منبع در متن یا در پاورقی‌ها ذکر کرده است تا به کار زبان‌شناسان و علاقه‌مندان بیاید.

رسم‌الخط به کاررفته در این فرهنگ بر مبنای رسم‌الخط سیدهاشمی با تغییراتی بسیار جزئی است. شادروان سیدظهورشاه هاشمی (م. ۱۹۷۸)، ادیب و زبان‌شناس معاصر، برای بهتر خوانده شدن آواهای بلوچی، با آمیخته‌ای از خطوط فارسی و اردو و افزوده‌هایی، این رسم‌الخط را بنیاد گذاشت که مورد قبول قریب به اتفاق نویسندگان و علاقه‌مندان زبان بلوچی قرار گرفته است، اگرچه به طور یکسان از آن پیروی نمی‌کنند.

ترتیب واژه‌ها در این فرهنگ بر اساس الفبای بلوچی رسم‌الخط سیدهاشمی است، این الفبا همچنان‌که گفتیم آمیخته‌ای از الفبای فارسی و اردو است، اما با این تفاوت که واج‌هایی که در بلوچی غربی تلفظ نمی‌شوند از آن حذف هستند و چند نشانه هم بدان افزوده شده است. حذفیات شامل همه حروف عربی دخیل در فارسی و بلوچی (ص، ض، ذ، ط، ظ، غ، ق، ث، ح) و حروف «غ، ف، خ» فارسی است. اگر در واژه‌ای یکی از این حروف باشد، مطابق آنچه در بلوچی تلفظ می‌شود

به نگارش درمی‌آید، مانند: صابون، بلوچی: سابون. چاقو، بلوچی: چاکو. خبَر، بلوچی: هَبَر. برای آگاهی بیشتر از واژه‌های بلوچی غربی، به مقدمه کتاب و راهنمای تلفظ نگاه کنید.

در این فرهنگ دوزبان، کلیه واژه‌ها و عبارتهای بلوچی را علاوه بر خط بلوچی، به خط لاتین نیز نگاشته شده و واژه‌هایی که معادل فارسی داشته‌اند، معادل آن‌ها بدون توضیح ذکر شده است، اگر چنانچه واژه یا اصطلاحی در فارسی معادلی همسان و هم‌معنی نداشته است، توضیح داده شده است تا معنی آن روشن گردد. بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات، همراه با مثال هستند، برای جلوگیری از افزایش حجم کتاب و در نتیجه دشواری و هزینه‌بر بودن چاپ، از آوردن مثال برای همه واژه‌ها پرهیز شده است. مثال‌ها اغلب ضرب‌المثل‌های رایج در بلوچی و عبارتهای و جمله‌هایی از اشعار کهن بلوچی و کتاب‌هایی است که در زمان معاصر به نظم یا نثر بلوچی به چاپ رسیده‌اند، از این رو فرهنگ حاضر در واقع علاوه بر واژه، گنجینه‌ای از ضرب‌المثل‌های بلوچی نیز هست.

پرداختن به بحث اشتقاق و ریشه‌یابی در این کتاب مد نظر نبوده است، نگارنده اگرچه در این زمینه، پژوهش‌های نسبتاً زیادی انجام داده است و بسیاری از واژه‌های بلوچی را ریشه‌یابی و معادل آن‌ها را از برخی از زبان‌های دیگر و گویش‌های ایرانی جُسته است، اما به خاطر پرهیز از حجیم شدن کتاب، فعلاً به این موضوع نپرداخته است، مگر برای روشن کردن معنی برخی از واژه‌های بلوچی، ناچار به ذکر یا بررسی معادل آن‌ها در زبان‌ها یا گویش‌های دیگر شده است.

این فرهنگ در دو جلد است و ۶۰/۷۸۰۰ واژه و اصطلاح دارد با این حال نگارنده، مدعی نیست که کامل است و همه واژه‌ها را در خود جای داده است، طبیعی است که فرهنگی در این حجم، از ضعف و نقص خالی نخواهد بود، اما سعی او در حد توانایی‌اش بر این بوده است که واژه یا اصطلاحی را که شنیده یا در کتاب‌ها دیده است جا نگذارد. زبان بنا بر طبیعت آن، که نهادی اجتماعی است، در هر زمان واژه‌هایی را به فراموشی می‌سپارد و واژه‌هایی دیگر را می‌سازد یا از زبان‌های دیگر به قرض می‌گیرد، بنابراین هیچ فرهنگ لغتی نمی‌تواند به طور قطع کامل باشد. در این فرهنگ نیز بویژه از این جهت که نخستین فرهنگ در نوع خود است، و تقریباً همه بار آن بر دوش یک تن (نگارنده) بوده است، قطعاً واژه‌هایی جا مانده است؛ امید است که خوانندگان و کسانی که از آن بهره می‌گیرند، کمبودهای آن را به دیده اغماض بنگرند و به نگارنده آن، یاری دهند تا در چاپ‌های بعد، اصلاحات مورد نیاز را انجام دهد.

نگارنده در کنار این فرهنگ بزرگ، مرتباً فرهنگ بلوچی-فارسی یک‌جلدی را نیز تدارک دیده است و در آن مثال‌ها و همچنین واژه‌هایی را که کاربرد ندارند حذف و توضیحات واژه‌ها مختصرتر کرده است و نیز در حال آماده کردن فرهنگ فارسی-بلوچی است، به خواست خدا این دو فرهنگ در آینده نزدیک به چاپ خواهند رسید.

اعتبار و ارزش هر اثر پژوهشی، معمولاً وابسته به میزان بهره‌وری آن، از آثار برجسته پیشین با ثبت و ذکر مرجع تحقیق در متن یا زیرنویس است. در گردآوری و تالیف این فرهنگ، علاوه بر تحقیقات میدانی- که بخش اعظم آن را تشکیل می‌دهد- از بیش از سیصد کتاب و اثر مکتوب نیز استفاده شده و مشخصات این آثار در بخش منابع این فرهنگ آمده است. نگارنده از پژوهش‌های متقدمان فرهنگ‌نویسی بلوچی، نیز بهره برده است، اما این بهره‌وری به گونه‌ای است که اگر واژه‌ای یا تعریفی را از کتابی نقل کرده‌ام، در کنار واژه، عین معنی فارسی یا بلوچی آن را به نقل از مرجع اصلی نوشته‌ام؛ این از اصول تحقیق است. از محققانی که در آینده به فرهنگ‌نویسی

بلوچی روی می‌آورند، خواهشمند است، چنان‌که اخلاق و ادب پژوهشگری حکم می‌کند، در نقل مطالب و واژه‌ها و معانی، از هر منبعی که باشد، نام مرجع یا مؤلف آن را در کنار آن بنویسند و فقط به ذکر آن در قسمت منابع کتاب اکتفا نکنند.

در تهیه این فرهنگ، اگرچه بار سنگین پژوهش و کار طاقت‌فرسای حروف‌چینی، شخصاً بر عهده نگارنده بوده است، اما در کنار آن، دوستان و علاقه‌مندانی بوده‌اند که تا حد توان خود در جمع‌آوری واژه‌ها به نگارنده کمک کرده‌اند، از جمله آن‌ها می‌توان از این افراد نام برد: عبدالرحمان طاهرپور، واژه‌های گویش کاروانی؛ عبدالصمد بلوچ، واژه‌های منطقه چیرکوه (شے کَلگ، گتیوان، شارک)؛ خانم میمنه محمدی، واژه‌های گویش فنوجی؛ احمد بارانی و مسعود رئیسی، واژه‌های گویش گتیچی؛ دکتر مرتضی سنجرانی‌پور و پرویز نارویی برخی از واژه‌های گویش سرحدی؛ شفا بلوچ، عبدالله بهار و غلام بهار برخی از واژه‌های مربوط به دریا و ماهیگیری. از همه این افراد و کسان دیگری که کمابیش در گردآوری و پژوهش واژه‌های این فرهنگ یاری رسانده‌اند، تشکر می‌کنم. از دوست گرانمایه آقای احمدملزهی نیز سپاسگزارم که در بازبینی اوراق و یادآوری برخی از غلط‌های چاپی به نگارنده یاری کرده‌اند. لطف آقای محمدحسین رئیسی، نیز جای تشکر دارد که با تشویق‌هایی که کرده‌اند باعث ایجاد انگیزه بیشتر نگارنده برای ادامه این کار شده است. همچنین سپاس از دکتر جمیله اخیانی که از سال‌ها پیش مشوق نگارنده در تألیف و آماده‌سازی اثر حاضر بوده است و نیز در در ویرایش ادبی نمونه‌هایی از اوراق، همکاری داشته است.

از رئیس سابق سازمان منطقه آزاد تجاری چابهار، جناب آقای مهندس مبارکی و معاون سابق گردشگری ایشان جناب آقای سعید رضاهمی و معاون گردشگری فعلی این سازمان جناب آقای نصیر بارکزی، تشکر می‌کنم که همت و لطف آن‌ها سبب شد که سازمان بخشی از هزینه چاپ این اثر را به عهده بگیرد.

از مدیر محترم انتشارات معین، جناب آقای صالح رامسری که چاپ این کتاب را با روی گشاده پذیرفتند و چون همیشه گامی دیگر در گسترش و احیای فرهنگ و زبان‌های ایرانی برداشتند، سپاسگزارم.

از جناب آقای دکتر علی‌اشرف صادقی، زبان‌شناس برجسته و استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سپاسگزارم که مقدمه‌ای در معرفی زبان بلوچی و این فرهنگ نوشتند.

شایسته است از خانواده محترم، بویژه همسر مهربانم تشکر کنم که در طول مدت تحقیق، متحمل زحمات فراوانی شده است.

همکاری شهرداری و شورای شهر بندر چابهار برای چاپ اثر حاضر قابل تقدیر است، بنابراین از شهردار محترم جناب آقای مهندس دادکریم بلوچ، و رئیس محترم شورای شهر جناب آقای واحدبخش دُرین و رئیس محترم شورای شهرستان چابهار جناب آقای مهندس معین سعیدی و بقیه اعضای محترم شورای شهر دوره چهارم چابهار تشکر می‌شود.

نشانه های آوانویسی

نشانه	آوانوشت	مثال	نشانه	آوانوشت	مثال
ـَ	a	سَرگ sarag (سر، کله)	ر	r	رَوک rōk روشن
ـِ	e	پِت pet (پدر)	ژ	ř	کَاژ kāř زن، بانوی زیبا
ـُ	o	پُل poll گُل	ز	z	زَهگ zahg فرزند
ا	ā	دَار dār چوب، هیزم	ژ	ž	تَژن tažn طعنه و گواژه
و	ū	مُود mūd موی	س	s	پَس pas بُو، گوسفند
ی	i ī	جِگ jīg/jig یقه، گریبان. (مانند میز فارسی)	ش	š	شَات šāt شاد
ۆ (و مجهول)	ō	رَوچ rōč روز، خورشید	غ	γ	دَاړغ dāray داشتن (در گویش شرقی بلوچی)
ی، ی، ی، ی (ی مجهول)	ē	چِییر čēr زیر، پنهان نِے nē نیست	ک	k	کَاَسگ kāsag کاسه
ب	b	بَار bār	گ	g	گَل gal شادمان، خوشحال
ا، ا، ع	?	مَئو ma?ū (ماهی مرکب)	ل	l	لَاپ lāp شکم
پ	p	پَنت pant پند	م	m	مَؤر mōr مورچه
ت	t	تَپ tap تب	ن	n	نَؤد nōd ابر
ث	θ	پَٹَن paθan (در گویش شرقی بلوچی)	ن (غنه)	ŋ	رَیَنک rēŋk ریگ
ث	ʈ	ئوہ tūh بزرگ	و	w	واگ wāg افسار
خ	x	خدا xoḏā خدا (درگویش شرقی بلوچی)	و	aw	کَوگ kawg کَبک، هَور هَور hawr باران، ابر
ج	j	جَاک jāk فریاد	ی	ay	سَیل sayl تماشای
چ	č	چَم čamm چشم	ذ	ḏ	پَاذ pāḏ پا (در گویش شرقی بلوچی)
د	d	دُور dūr	ڈ	ḏ	دُؤد dādḏ قوی، نیرومند.

نشانه (°) بر روی صامت نخست واژه یا هجا، نشانه ابتدا به ساکن بودن آن است. مانند: گُوست gwast (گذشت) نشانه (ە) (a) در تلفظ، از فتحه کشیده تر و از «آ ە» کوتاه تر است. و معادل (را)ی مفعولی و برخی از نشانه های دیگر و حروف اضافه فارسی است.

نشانه (ە) (ay) میان مضاف و مضاف الیه می آید و معادل کسره اضافه فارسی است.

نشانه (۰) (o) به جای (و عطف) فارسی می آید.

نشانه (→) به معنی: در همین فرهنگ، نگاه کنید به کلمه ای که سر پیکان به سوی آن است.

نشانهٔ (↑) به معنی: در همین فرهنگ، نگاه کنید به کلمه‌ای که نوک پیکان به آن سو قرار دارد و آن کلمه در صفحه‌های پیشین مربوط به همین حرف ذکر شده است.

نشانهٔ (↓) به معنی: در همین فرهنگ، نگاه کنید به کلمه‌ای که نوک پیکان به آن سو قرار دارد و کلمه در صفحه‌های آیندهٔ مربوط به همین حرف ذکر شده است.

نشانهٔ ← به معنی رجوع کنید به، نگاه کنید به. مثلاً ← بَندگ. یعنی برای توضیح بیشتر به مدخل بندگ و توضیحات و اصطلاحات مربوط به آن مراجعه بکنید. ← (بخش اعلام) برای توضیح بیشتر نگاه کنید به بخش اسامی خاص در آخر همین فرهنگ.

نشانه‌های اختصاری

ا	اسم	شج	شبه جمله
امص	اسم مصدر	ص	صفت
امصغ	اسم مصغر	صفا	صفت فاعلی
انگ	انگلیسی	صم	صفت مفعولی
برا	براهویی	صن	صفت نسبی
بلش	بلوچی شرقی	صو	بلوچی اردو لغات
بلوشر	بلوچی شرقی	عر	عربی
سرا	گوش سرآوانی	ف	فعل
گت	گوش گتچی	فا	فاعل
فنو	گوش فنوچی	فار	فارسی
عر	عربی	ق	قید
ما	بن ماضی	قس:	مقایسه کنید با:
مض	بن مضارع	کا	گوش کاروانی
پس	پسوند	م	متعدی
پپ	پیشوند	ما	ماضی
تر	ترکی	مش	مشتق
جد	جدگالی	مصل	مصدر لازم
ح	حرف	مصم	مصدر متعدی
حا	حرف اضافه	مض	مضارع
حامص	حاصل مصدر	مف	مفعول
حر	حرف ربط	مق	مقابل
سح	گوش سرحدی	نوک	واژه‌نامهٔ نوکاز
سَنج	بسنجید با:		
سید	فرهنگ سیدگنج		
فر. بز. سخن	فرهنگ بزرگ سخن		

بلوچی پیشگال

پاکین ہاوندۂ ہزاران شگرۂ منت کہ منۂ ئی اے ہمتۂ ہائیک دات، دان بلوچی-پارسی لہزبلدۂ وانگیۂ کہ چہ بیست سالۂ گیش، پہ آئیۂ چتۂ چینکۂ نزارگۂ دست گٹ بیتگان پہ چاپۂ شنگۂ سر بہ کنانۂ ۂ پرے کارۂ من چونیں دل سیاہی، سگیۂ سوری کش اتگ؟ اے وت جتائیں کسۂ داستانۂ؛ بلئے چیزے گپۂ نشاندهی کنگ لازم انت، آش انت کہ:

۱- اولسرۂ منی شورۂ ہیال، ہمیش ات کہ اے لہزبلدۂ چدۂ گیش پر بہ کنانۂ دیمۂ بہ براں، بلئے رندا من مارات کہ لہزبلدنیسوک یک ہنچین منزلهۂ پہ راہیک انت کہ پہ آئیۂ سربیک یا ہال کنگ نبیتگین کارۂ؛ چیا کہ گوں ہر منزلهۂ سر بیگۂ پد، دگے منزلهۂ چراگے دیمۂ شہم کنان بیت؛ پمیشکا من وتی اے سپرۂ بار دان ہمدان بوتکگان۔ البت اگان زندۂ نہ ڈروہ ات، ان شاء اللہ اے کارۂ دیمۂ براں کنان۔

۲- اے گپۂ پہ دلۂ ستگ گشاں کہ اے وانگی کہ شمتۂ دیمۂ انت، منی رنجۂ جھدانی نان، بلکین منی اشکۂ ہدوناکۂ لوٹۂ واہگانی برورد انت، پمیشکا اے پٹۂ پوولی کارۂ آسرۂ من وتی ماتیں گلزمینۂ ندر کنان۔ اُمیت انت اے ہزمت، اِزانی زبانانی پوُلکارۂ ہمے پیم، بلوچی ۂ پارسی زبانانی وانوکۂ دوزواہانۂ دوستۂ پَسند بہ بیت۔

۳- لہزانی چنگۂ نزارگۂ کار، من چہ شمسی اتیں سال ۱۳۶۸ (ایسانی ۱۹۸۹) ۂ بُنگیچ کتگ۔ بیدۂ چار سالۂ اوشتۂ کہ من مزن شہدبرجاء ڈاکتریت (P.h.d) ۂ وانگۂ گسی بیتگان، دان مروچیکین وھدۂ کہ اے وانگیۂ چاپ جاہۂ سرکنگۂ آن، ہچ روچے چہ پوُلکاریۂ دست بردار نہ بیتگان۔

۴- اے لہزبلد، بلوچی-پارسیۂ اولی لہزبلد انت کہ شنگ بیگۂ انت؛ ایشیۂ بُن ہشت، مکرانیۂ روچ اِیرشتی گالوارۂ سرۂ اِیر انت۔ چوٹائیۂ اے گالوار بلوچیۂ تھا استانداردیں گالوار منگ بیت، چیا کہ اگان بلوچی ادبۂ کتابتۂ سرۂ چمشانک دیگ بہ بیت، گندیں کہ گیشتریں کتاب، تاک، ماہتاک ۂ نبشتانک مان ہمے گالوارۂ چاپ بیتگ انتۂ بیگۂ انت۔ البت بیدۂ چہ مکرانی گالوارۂ، دگے چنت گالوار کہ اِزانی بلوچستانۂ شاہارۂ تہۂ ہست انت کہ گوں اے رواج گیتگینۂ کتابت بیتگین گالوارۂ کمیں دگری اش ہست، انچو کہ سراوانی، سرھدی، گتیچی، پَنوچی، لاشاری ۂ کاروانی ہم جاہ داتگ انت۔ البت ہرچ لہز یا گالے کہ زیرگ بیتگ، آئیۂ دیمۂ نشانے ہست انت، دان زانگ بہ بیت کہ اے گجام گالوارۂ لہز انت، دان اے باناداتۂ زباں پوُلانی کار ہم آسان تر بہ بیت۔

رودراتکی گالوار ہم بلوچیۂ دومی مزتیں گالوار انت کہ گوں مکرانی گالوارۂ بازیں پرکۂ پیرے دارایت۔ اے پرکۂ پیران گیشتر توارینکانی تہۂ گندگۂ اشکنگ بنت۔ اے گالوارۂ گیشتریں گپ جنوک، رودراتکی بلوچستان ۂ گوریچانی ہندۂ دمگۂ نندوک انت۔ مَرچیکین دؤرۂ اے گالوار ہور گوں مکرانی گالوارۂ نیسگۂ وانگ بیگۂ انت، نیم کرنۂ چے گیش انت کہ اے دوین گالوارانۂ گوںۂ وژوڑیں کتابۂ نبشتانک نیسگۂ چاپ بیتگ انت۔ من وتی جھدۂ وس کتگ کہ اے لہزبلدۂ

تھا بازیں لبزء گالے چہ روڈراتکی گالوارء ہم، ہوڑ گوں سرچمگء نشانان ئیاران، ء آ گالے کہ گوں مکرانی گالوارء توارینکی حسابء دگری دارآنت، مان تاكدیمانی چیرء بہنبیسان، دان اے گال، بلکین زبان پؤلء زبان دوستانی کارء بیآنت.

۵- سیاہگے کہ اے وانگیء تھا کارمرز بیتگ، سیدہاشمیء سیاہگ انت. البت من «و» ء «ی» مجھولء سرء نشان () پرکٹنگ ء اے داب نبیسگ بنت: «و»، «ی»، «ئ» آئید چہ اے دگری، «ئے ا» پنآمء جاگاہء کہ مان پارسیء و اے لبزبلدء کارمرزبیتگین پونتء نیست انت، «ئی» اورتگ، دان نبیسگء وانگء آسان تر بہبیت. مان اے دوزبانیں لبزبلدء، بلوچیء ڈرستیں گالء گالبندء گالرد آئید چہ بلوچی سیاہگء گوں رومنء سیاہگء ہم نبیسگ بیتگ انت. پہ رومنء سیاہگء گھتر وانگء، ہمے وانگیء تھا پارسی پیشگالء بھرء «نشانہاچی آوانویسی» ء تاكدیمء بہ چارات. اے لبزبلدء تہء بازیں گالء گالبندے گوں بلوچی دروران ہمراہ انت. درورارین گالء گالبند گیشتر ہما انت کہ لبزانکی زبانء کارمرز بنت یا کہ آیانء بزانت باز ء وژوڑین انت. درورانء سرچمگ، بلوچی بتل، گیدی لچہ، گوہنٹینء نوکین لچہ کارانی لچہ، ندرارء رم کارانی چاپبیتگین ردانک، آزمانکء گیداران انت. ہرچ درورے گوں آئیء سرچمگء نشانء آرگ بیتگ.

۶- دگے گپے کہ پہ وانوکء پؤلکاران ادا گیشینان، آ اش انت کہ من بازیں گالء بئنء ریشگانی درگیتگء پٹء پؤل ہم کٹنگء آہانی سیدیء ہمدپی گوں ایرانء آ دگے زبانء گالواراں چے ہم درگیتگ انت. بلئے کتابء مزن بیگء چاپء بارء گران بیگء ترسء ادا جاہ دیگ نہ بیتگ انت. البت بلوچیء چیزے گالانی بزانتء پڈر بیگء گیشتریں گیشء گیوارء ہاترا، جاہ جاہے مان تاكدیمانی چیرنبیسان بئنء ریشگاں پڈرائی کٹنگء نبشتگ انت، دان پہ وانوکء پؤلکاراں آسانی بہبیت.

۷- اے کتاب دو بندگانے (جلدانی) تھا، گوں ۶۰/۷۸۰ گالء گالبندان دیمء آرگ بیتگ. بلئے پدا ہم گشت نہ کنان کہ سرجمء برجم انت ء بلوچیء ڈرستیں گال آئیء تھا جاہ دیگ بیتگ انت، یا اے کہ کتاب بے آیبء بے کچہ انت. اگان کہ من وتی وسء واکء مزن جُھدے کنگ ہرچ ایشکٹگین یا لچھی ء ردانکی کتابانی تھا دیستگین گالء گالبندے کہ وتی منء آیانی بزانتء راست بیگء المء دلجم بیتگاں، پشت مہ گیجاں، بلئے اے گپ دلگوش دیگی انت کہ ہرچ زبانے تب ہنچش انت کہ مدتء رند، چیزے چہ وتی بڈرین گالان شمشایت یا بازیں مدتء گوزگء پد لبزانی بزانتء مانا ہم ٹگل ورآنتء شمشتگین یا ڈالچارکٹگین گالانی جاہء دگے گالے یا چہ دگے زبانے کثیتء جاہ کنت، نوکین گالء گالبند آڈ بنتء زبان چو تچوکیں آپء مدام تازہ تریبیانء رُمان بیت؛ پمیشکا دنیاء تھا ہج بزانت بلدے نیست کہ سرجمء کامل بہبیت. دگے گپے ہم اے کتابء بانداتء گشگ لوٹان، اش انت کہ ڈرستیں لبزانی چنء نزارء کار یگین مینیں نبیسوکء سرء بیتگ انت؛ المء بیت کنت بازیں گالے پشت کپتگ یا دست نہ کپتگ انت.

۸- ہرچ پٹ پوئی کتاب نیشتانک بسترار ارزشت، چہ ادا پڈر بیت کہ آ پٹ پوئل چہ وتی پیشبگین ء مهمیں کتاب پٹ پوئل داں چہ اندازگہ بھر زرتگ. البت اے بہرزیری باید انت گوں نام نشانی ماں نیشتگین متن ردانک یا تاکدیم چیرہ آرگ بہ بیت.

اے بزانت بلدہ نزارگہ نبیسگہ انچو کہ من پیشترہ گوشت، آید چہ سالانی سال جُست پُرس شۆہازکاریء، کہ گیشتریں بھرہ من ہمے حساب شۆہازانگہ نبیس اتگ؛ بلے گیش چہ سیسد پارسی و بلوچی و اردو کتاب ہم بھر زرتگ. چہ اے کتاباں، دوسد کتاب کہ بلوچیء گیشتر لچہء آزمانک انت، تاک پہ تاک و نتگ چہ آیانہ اگان لبرے منی گیرہ ترآتگ، بزانت بلدہ تھا آورتگہ آیانی بُنزہء سرجمگہ لبرانی دیما نیشتگ. اے نام نشان دیگ، پٹ پوئل کاری رہندہ کانود انت. دیمرہ اگان ہر شۆہازگرہ پٹ پوئلکارے بزانت بلدہ نیشتہ کاریء نیمگہ دلگوش گور بہ دنت یا پہ چُشیں کارے سربہ گرایت، دزبندی انت کہ پٹ پوئی رہندہ کانودہ ہیال داریء بہ کن انت، لبرانہ آیانی بزانتانہ چہ ہر لبریلد یا دگہ کتابے زیرانت، ہما کتابہ آبیء نبیسوکہ نام لبرانہ ہمردہ المہ بیارانت یا تاکدیمانی چیرہ بہ نبیس انت ء ایوکہ اے مہ بیت کہ تھنا وتی کتاب نیشتانکہ کڈسہ بھررتگین کتابہ آئیء نبیسوکہ نام، گرگ بہ بیت بس!

۹- کڈسہ من چہ دُرستیں وانوک، پوئلکارہ دوزواہاں چے، کمیانی درگوز کنگہ لوٹہ کنان. ء اُمیت داراں پرے کارہ دیم بریء منہ کمکہ مدت بہ کن انت ء کمیء ردیانی نشاندھیء مئے گوئے ہمراہ بہ بنت، داں اگان ہاوندہ پہ زندگ بیگہ موہ دات، ان شاء اللہ دیمی چاپہ پُشت کپتگین لبر ماں دیگ، ء ردی، گرگ بہ بنت.

دُرستیں وانوکہ دوزواہانی منتوار

عبدالغفور جہاندیدہ

چہبار